



شناسایی ماهیت وقف

مصطفی مطبوعه‌چی

چکیده

نویسنده با بیان اینکه معمولاً تعریف‌هایی که از ماهیت اشیاء می‌شود پیشینی و متأثر از منطق یونان و فلسفه ارسطویی است، دوروش دیگر را هم در تبیین ماهیت ذکر می‌کند که پسینی است. وی آن دورا روش حقوقی و تاریخی نام نهاده و ماهیت وقف را از دریچه این دوروش بررسی کرده است. مؤلف با تأکید بر اینکه وقف یک ساختار کلی دارای اجزاء است و شخصیت حقوقی دارد، ضعف و نارسایی کتب فقهی در موضوع وقف را نبود نگاه کلان‌نگر به نهاد وقف می‌داند. وی در روش حقوقی از موضوعاتی همچون شرایط مولد احکام وضعی و تکلیفی وقف، شرایط عین موقوفه، وقف پول و وقف عین فاقد قبض سخن می‌گوید و در روش تاریخی، نقش وقف در تاریخ را به اختصار بیان می‌کند. مقاله با دو موضوع: ساختار وقف و اهمیت شخصیت حقوقی وقف پایان می‌یابد.

کلید واژه:

تعریف حقوقی، تعریف تاریخی، تاریخ وقف، شرایط وقف، ساختار وقف، شخصیت حقوقی

اگر تعریف، آینه تمام‌نمای ماهیت یک چیز باشد و ماهیت نمایانگر آثار و لوازم و مختصات باشد، تعریف، گویای ویژگی‌ها و مختصات است. وقف هم مثل دیگر مفاهیم و مقولات آثار و خواصی دارد که با استقراء و احصاء این خواص و آثار به ماهیت آن می‌رسیم؛ آنگاه می‌توانیم این ماهیت را با کلماتی بیان کنیم و در واقع تعریفی از آن عرضه می‌نماییم.^۱

اما شناسایی ماهیت معمولاً به دو روش قابل اجراست. این مقاله درصدد بررسی این دو روش است که آنها را روش حقوقی و روش تاریخی نام‌گذاری کرده‌ام. البته مرسوم است ماهیت هر چیز را با بیان جنس، فصل و عرض می‌شناسانند. این روش که امروزه به نام روش پیشینی مشهور است از دوره یونان باستان و فلسفه ارسطویی به ارث رسیده است.

هدف این مقاله شناسایی و کشف ماهیت (چیستی/خواص و آثار ویژه) وقف است؛ البته نه از طریق تعریف‌های انتزاعی و پیشینی، بلکه نخست از طریق تحقق و شرائطی که صحت وقف وابسته به آنهاست. دوم از طریق کارکرد تاریخی وقف.

همگان وقف را از طریق تعریف‌های عرضه‌شده می‌شناسند؛ و چون این روش

روشی معمول و متداول است؛ نیز بسیار در این زمینه بحث شده و به اشباع رسیده، فکر کردم به شیوه‌های جدیدتر فکر کنم. نکته مهم دیگر اینکه معمولاً وقف را به صورت ترکیبی و به هم پیوسته و به صورت یک کل منظور نمی‌کنند، بلکه نگرش تجزیه‌ای غالب است. مثلاً فقها به هنگام بررسی وقف، از عین موقوفه، واقف، موقوف علیهم و... سخن گویند و هیچ‌گاه از یک پدیده کلی که در درون ساختار خود همه این اجزاء را دارد بحث نمی‌کنند. اما جدیداً در بین حقوق‌دانان و فلاسفه حقوق، مبحثی با عنوان «شخصیت حقوقی» مطرح شده که ناظر به بررسی کل یک پدیده نه اجزاء آن است.

از نظر شخصیت‌شناختی وقف، نخست باید کل وقف ارزیابی و تحلیل شود، آنگاه کارکرد عمومی این دستگاه بررسی گردد.

خلاصه این که برای شناخت وقف سه راه وجود دارد: یکی پیشینی است و بدون ملاحظه کارکرد، تأثیر، روابط و تعاملات درونی و بیرونی، که این نوع تعریف، با استفاده از داده‌های لغوی یا منصوص شرعی ارائه می‌شود. معمولاً ابتدای هر باب فقهی، تعریف‌های این گونه‌ای عرضه می‌شود.

دوم و سوم دو شیوه‌ای است که پس از تحقق وقف و بر اساس کارکرد آن به بیان ماهیت آن می‌پردازد.

شیوه حقوقی

فقیهان و حقوق‌دانان هر آنچه شرائط صحت را نداشته باشد اساساً فاقد عنوان می‌دانند. مثلاً تلبس صلاة به این عنوان، اورد، اذکار و اعمالی است که حداقل شرائط مقبولیت را داشته باشد، و گر نه اعمال و اذکار فاقد شرائط، در حقیقت فاقد عنوان صلاة است.^۲

در واقع ماهیت عنوان فقهی مشروط به شرائطی است که بدون آن شرائط، اصل ماهیت زائل می‌گردد.

از سوی دیگر، ماهیت وقف با احصاء شرائط و انطباق آنها با واقعیت‌ها قابل شناسایی است. بنابراین شرائطی که فقها و حقوقدانان برای وقف مطلوب در نظر گرفته‌اند نشانگر این است که یک وقف در چه شرائطی مشروع و در چه شرائطی نامشروع، یا وقف در چه شرائطی واقعاً وقف است و در چه شرائطی واقعاً وقف نیست تا تعریف‌پذیر باشد. این مباحث نشانگر تعریف فقها از وقف و ماهیت آن است. در واقع در یک روش، برای شناخت ماهیت یک پدیده می‌توان به

شرائط تحقق آن نظر افکند.

توضیح این که همه پدیده‌ها، چند لایه دارند؛ این لایه‌ها را درگاه وجودهای یک پدیده نامیده‌اند و گفته‌اند: وجود ذهنی سپس وجود کتبی و لایه عینی و خارجی، سه لایه مهم پدیده‌هایند. وقف نخست به صورت یک نقشه ذهنی است. بعداً روی کاغذ ترمیم می‌شود و آنگاه اجرا می‌گردد. شرائط در واقع زمینه‌ها و عوامل اجرای این مفهوم است. برای این که وقف از یک مفهوم ذهنی یا یک توصیف مکتوب به یک واقعیت عینی تبدیل شود، نیاز به عوامل و زمینه‌هایی دارد که اصطلاحاً به آن شرائط گفته می‌شود. اما اگر بنخواهیم این پدیده را بشناسیم، یک روش این است که واقعیت خارجی و عینی این پدیده را بررسی کنیم و ببینیم آیا شرائطی که در مرحله ذهنی و کتبی ملحوظ بودند محقق یافته و اجرا شده‌اند؟ این گونه تحلیل‌ها، نوعی شناخت به ما می‌دهد که از آن به روش حقوقی برای شناخت وقف یاد کرده‌ایم.

انواع شرائط

در موضوع وقف، شرائطی که موجب صحت یا فساد وقف می‌شود یعنی

ایجادکننده حکم وضعی است؛ و نیز شرائطی که احکام تکلیفی در پی دارد به چند دسته تقسیم می‌شوند که نمونه‌های مشهور هر دسته در اینجا معرفی می‌گردند:

شرایط عین موقوفه

به اتفاق تمام مذاهب، وقف دارای چهار رکن است: صیغه، واقف، عین موقوفه و موقوف علیه.

در شرع و قانون، هر یک از این چهار رکن باید با شرایط شرعی و قانونی خاص اجرا شود تا وقف به صورت صحیح تحقق یابد.^۳

اما مال موقوف یا عین موقوفه باید دارای چهار شرط باشد:

۱. عین باشد، نه دین یا منفعت؛

۲. با بقای عین بتوان از آن انتفاع برد؛

۳. ملک واقف باشد، نه ملک دیگری؛

۴. امکان قبض آن باشد.^۴

تحقق وقف منوط به عین بودن موقوف، قابلیت انتفاع داشتن، مملوک و مقبوض واقف بودن است. یعنی همه اینها در ماهیت وقف مدخلیت و مشارکت دارند. از سویی تعریف وقف منوط به اینهاست، و از سوی دیگر هر نوع کارآمدی از دیدگاه اسلام قابل قبول

نیست، بلکه وقفی که مشروط به شرایط خاص باشد مقبول است. برای کارآمد شدن این وقف باید تدبیر کرد.^۵

صاحب جواهر و بسیاری از فقها، قانون کلی اینکه چه چیزی را می‌توان وقف کرد چنین گفته‌اند: هر چیزی را که بتوان با حفظ عین آن، منفعت حلالی برد، وقف کردن آن صحیح است.

بنابر این سه دسته مال متصور است:

عین بقادار ولی بدون منفعت، عین زایل‌شونده ولی دارای منفعت، عین زایل‌شونده و بدون منفعت.

همه سه گزینه فوق مطابق ضوابط شریعت نیست و برای هر یک مثال‌هایی ذکر کرده‌اند. برای دسته اول چیزهایی مثل خون را که در قدیم منفعت و سود حلال نداشت مثال زده‌اند. یا وقف ادوات لهُو و لعب و هر آنچه اصلاً دارای منفعت نیست.

دسته دوم سود بردن از چیزهایی است که مساوی با از بین رفتن آن است؛ مانند: خوردنی‌ها، شمع و مانند آن.

این شرایط گویای این است که وقف نوعی سرمایه‌گذاری است. اصل سرمایه باید محفوظ بماند و درآمد آن به مصرف نیازهای مقبول برسد. متأسفانه تلقی اغلب و اکثر مردم این است که وقف، مالی

برای تأمین نیازهای خاص است که پس از تأمین نیاز از بین می‌رود. در حالی که تلقی شارع بر عکس است و می‌خواهد اصل مال تا ابد بماند و زایل نشود و صرفاً از منافع و ثمره آن بهره‌مند گردند.

وقف پول

دربارهٔ صحت وقف درهم و دنانیر - واحدهای پولی که در زمان‌های گذشته رایج بود - یا نقود و پول‌های رایج امروز اختلاف است. محقق حلی در شرایع می‌گوید: بعضی از فقها گفته‌اند که صحیح نیست. خود محقق اظهار نظر می‌کند که اظهار، عدم صحت آن است؛ و صاحب جواهر به دنبال نظر او گوید: محقق حلی، هماهنگ با فتوای جمعی از فقهای قدیم، به عدم صحت فتوا داده است. شهید اول در کتاب دروس گفته است که شیخ در کتاب مبسوط بر عدم صحت وقف درهم و دینار ادعای اجماع کرده است. صاحب جواهر از شیخ طوسی نقل می‌کند که گفته است: در نادرستی این گونه وقف، اختلافی در میان فقها وجود ندارد. ابن زهره و ابن ادریس در غنیه و سرائر نیز همین گونه اظهار نظر کرده‌اند.^۶ بنابراین یکی از شرایط صحت وقف این است که پول نباشد. به عبارت دیگر ماهیت موقوفه

باید درهم و دینار نباشد. فلسفه و حکمت عدم صحت وقف پول، زوال‌پذیر بودن پول است. پول در قدیم مثل ملک نبود و ماندگاری نداشت، از این رو شأنیت وقف را نداشت، اما امروز که ماهیت پول دگرگون شده است، عده‌ای از فقهاء به صحت وقف آن فتوا داده‌اند.^۷

ملک واقف

مورد وقف باید مالی باشد که متعلق به دیگری نباشد؛ مانند مالی که در رهن است یا مالی که مالک آن ورشکست شده است؛ زیرا حقوق مرتهن و طلبکاران ورشکسته در دارایی او ایجاب می‌کند که آن را فروخته، از ثمن فروش طلب آنان پرداخت گردد، حال آنکه عین وقف باید در حبس بماند تا موقوف علیهم از آن منتفع شوند. صاحب جواهر تصریح می‌کند که چنانچه مالی را که مالک آن نیست وقف کند، صحیح نیست.^۸

وقف عین فاقد قبض

وقف عین مرهونه و چیزی که تسلیم آن امکان ندارد، مانند پرنده در هوا و ماهی در آب. اگر چه مالک آن باشد، حیوان گمشده و عین مغصوبه - در صورتی که واقف و موقوف علیهم توانایی به دست آوردن آن را ندارند - صحیح نیست. بله،

اگر آن را برای غاصب وقف کند، صحیح است؛ زیرا قبض محقق است.

اغلب پژوهشگران ویژگی مهم و قابل توجه وقف را استمرار و بقای عین موقوفه می‌دانند. بنابراین هر آنچه ذاتاً ماندگاری ندارد و زوال‌پذیر است، و هر آنچه ماندگار باشد ولی با روش‌هایی مثل فروش و هبه از بین برود، قابل وقف نیست. هدف شارع این بوده که نهاد وقف بر شالوده‌های مستحکم و بدون زوال تکیه کند تا بتواند از عواید و منافع آنها، نیازهای تعیین شده را به خوبی برطرف کند.^۹

تغییر شرایط

از مباحث فوق معلوم می‌شود که صحت وقف مشروط به شرایطی است و این شرایط هویت وقف را تشکیل می‌دهند که در هر دوره زمانی ممکن است تغییر کنند. مثلاً امروزه پول وضعیتی پیدا کرده که می‌توان با سپرده‌گذاری، عین آن را ثابت نگه داشت و منافع آن را در راه خیر مصرف کرد. در این دوره نظریاتی آمده که شرط دوام و استمرار در وقف را به گونه دیگر تفسیر می‌نماید و مثل گذشتگان تعریف نمی‌کند. مثلاً می‌توان گفت هر آنچه به گونه‌ای باشد که در

شرایط مختلف بتوان از آن درآمد کسب کرد، هر چند اصل موقوفه هم ثابت و دوام نداشته باشد و متغیر و زایل‌شونده باشد، اما همین قدر که توان تولید ثمره و خلق منفعت را دارد، وقف آن مشروع است. به هر حال تفسیرهای جدید درباره شرایط، تلقی و تعریف را دستخوش تغییر کرده است.

متأسفانه نهادهای وقفی به شرط دوام و استمرار وقف کمتر توجه می‌نمایند. توجه به این شرط به این معناست که برای تحقق این شرط برنامه‌ریزی کنند تا همواره عواید وقف رو به ازدیاد باشد.

دوام و استمرار وقف به این معناست که هرگاه بر مالی، به ویژه در مورد املاک، مهر و نشان وقف بخورد، آن مال برای همیشه وقف خواهد ماند و خارج کردن یک موقوفه از حالت وقفی مستلزم طی کردن فرآیندی طولانی و مشکل خواهد بود، البته در صورت موافقت مراجع و محاکم قضایی یا مراجع تقلید، تعویض اموال و املاک وقفی به موارد بهتر و یا به مواردی که ارزش مساوی داشته باشند اشکال ندارد. اموال و املاک جدید نیز همچنان وقف هستند و در راستای همان اهداف و مقاصد اموال و دارایی‌های پیشین استفاده می‌شود. بنابراین، در مقام

نظر، حالت دوام و استمرار وقف مستلزم این معناست که اموال و یا املاک وقفی نباید کاهش یا تقلیل یابد؛ و به دلیل لزوم همین ویژگی (دوام) در وقف بوده که برخی از فقها وقف را فقط در مورد املاک و مستغلات (که حالت بقا و استمرار دارند) صحیح دانسته‌اند. عده‌ای از فقها نیز برخی کالاهای بادوام را که منافع و عواید بلندمدت دارند به منزله املاک و مستغلات گرفته‌اند. بنابراین، کتاب، وسایل و ابزار، احشام و پول را نیز می‌توان وقف کرد.^{۱۰}

از آنجا که وقف یک عمل اختیاری و خیرخواهانه است، باید به شرایطی که واقف تعیین می‌کند مو به مو عمل شود؛ البته تا وقتی که متناقض یا مخالف قوانین شریعت نباشد. تفصیل مطلب چنین است که درآمدهای وقف باید انحصاراً در راستای اهدافی که وقف برای آن به وجود آمده است مصرف شود. اهداف وقف نیز تا وقتی که اولاً با قوانین شریعت سازگار باشد و ثانیاً قابل حصول باشد نمی‌بایست توسط متولی یا دادگاهی که بر آن نظارت می‌کند تغییر یابد.

نتیجه گیری

از طریق کاوش در شرائطی که فقها

برای وقف صحیح و مطلوب گفته‌اند به ماهیت وقف می‌رسیم. یعنی می‌یابیم و می‌فهمیم که شریعت اسلام درصدد تحقق ماهیتی بوده که مهم‌ترین اثرش تأمین نیازها و رفع مشکلات جامعه اسلامی با قید دائمی و همیشگی است؛ از این رو درصدد تأسیس سازمانی بوده که سرمایه ثابت داشته باشد و علاوه بر ثبات سرمایه، منافع و سوددهی هم داشته باشد. این شرائط حقوقی نشانگر ماهیت وقفی است که منظور نظر اسلام و فقهای مسلمان بوده است.

شیوه تاریخی

در دهه‌های اخیر به شیوه‌های پدیدارشناسختی، تاریخی، میدانی و امثال اینها توجه ویژه مبذول شده است؛ از این رو دانشمندان در رشته‌های مختلف، دیگر با تعاریف ذهنی و انتزاعی به سراغ مقولات نمی‌روند، بلکه با بررسی کارکرد و تأثیرات یک پدیده در طول یک دوره زمانی مشخص، ماهیت آن را کشف کرده، تلقی واضح‌تری نسبت به آن پیدا می‌کنند. بدین ترتیب، شناخت و تعریف یک موضوع، پس از بررسی کارنامه یا کارکرد آن در تاریخ عرضه می‌شود.

با نگرش تاریخی، چیستی و ماهیت

از موقوفات سوء استفاده کرده‌اند؛ از این رو تأثیرات و کارکرد آن خدشه‌دار شده است. می‌توان گفت که در مجموع عدم نظارت مستمر و وجود آشوب‌های اجتماعی مخصوصاً در مقاطعی از تاریخ که حکومت از سلسله‌ای به سلسله دیگر منتقل می‌شده و عدم ثبت موقوفات، از مهم‌ترین عوامل خروج موقوفات از کارکرد طبیعی بوده است. البته، تردیدی نیست که بسیاری از اماکن یا در مواردی، اشیائی که امروزه تحت عنوان اموال عمومی هستند ریشه در وقف دارند.

با ثبات حکومت و استقرار آرامش و تأسیس نظام‌های معتبر ثبت و اسناد و مدارک قانونی، موقوفات بسیار کمتر از گذشته در معرض سوء استفاده و خروج از کارکرد اصلیشان هستند. طبعاً این امر می‌تواند زمینه گسترش هر چه بیشتر وقف را فراهم آورد. البته در انواع وقف، تأثیرات و کارکردها هم متفاوت است؛ مثلاً در وقف عام یا خیری، واقف در پی سودرساندن به جامعه است و کارکرد وقف را باید در این عرصه جستجو کرد.^{۱۱}

یکی از کارکردهای وقف، توسعه فرهنگ جامعه با ساختن مدرسه و مسجد از موقوفات است. در جهان اسلام

وقف به کارکرد این نهاد در طول تاریخ بستگی دارد؛ به عبارت دیگر وقف در بستر تاریخ هویت ویژه‌ای یافته است، لذا وقف را از تاریخ آن می‌توان شناخت. وقف با وضع بسیط و ابتدائی آغاز شد و به مرور رشد و توسعه یافت. این گسترش تاریخی، به وقف هویت و ماهیت ویژه‌ای داده است که نشانگر اعتبار واقعی آن است. کارکرد تاریخی وقف در دو جنبه قابل مطالعه است: یکی تأثیرات و دوم شکل‌گیری آن.

بر اساس کارکردهای وقف می‌توان ماهیت آن را کشف کرد؛ زیرا وقف همواره نقش زیادی در توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشورها بر عهده داشته است. وقف از بهترین نهادهایی است که در طول تاریخ توانسته ضمن ارضای معنوی انسان، در اعتلای اقتصادی و اجتماعی هم مؤثر واقع شود. نیز نخبگان، دیگر فقها و حقوقدانان، مکانیسم‌ها و قوانین و مقررات لازم جهت پشتیبانی از وقف را به وجود آورده‌اند؛ نهادهایی مثل سازمان اوقاف و امور خیریه تا حد زیادی از سوء استفاده از اوقاف ممانعت کرده‌اند؛ از این رو وقف به مثابه نهاد، کارکرد ویژه پیدا کرد. از سوی دیگر در طول تاریخ، سودجویان و در مواردی حکومت‌ها

از برجسته‌ترین ویژگی‌های تمدن و فرهنگ اسلامی «مدارس علوم اسلامی» هستند. تعالیم اسلام و سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام به برکت تلاش و کوشش این مراکز از آغاز ظهور و گسترش اسلام در اقصی نقاط جهان امکان‌پذیر شد؛ زیرا با توسعه نفوذ اسلام در کشورها و آشنایی مردم با فرهنگ و تعالیم غنی اسلامی، استقبال عمومی مردم برای آموزش و فراگیری احکام اسلامی طلب می‌کرد که مراکزی برای آموزش و تعلیم احکام و معارف والای اسلام ایجاد شود؛ از این رو ابتدا مساجد به عنوان اولین مراکز آموزشی مورد استفاده قرار گرفت.

سپس با گسترش روزافزون طالبان علوم اسلامی مراکز جدیدی به نام «مدرسه» به وجود آمد که تاکنون پایگاه‌های علم و اندیشه و خاستگاه هزاران فقیه، دانشمند و دانش‌پژوه بوده است. در این میان مدارس علوم دینی خراسان بزرگ به‌ویژه حوزه کهنسال و پرمایه مشهد مقدس از اهمیت و جایگاهی رفیع برخوردار است.^{۱۲}

به هر حال به وسیله روش کارکردگرای، می‌توان تأثیرات تاریخی وقف را به دست آورد. این تأثیرات از ماهیت این نهاد گزارش کرده است؛ لذا باید در شناخت و تعریف آن لحاظ شود. شیوه پژوهشی

طرفداران کارکردگرا آن است که آثار و نقش‌های مختلف پدیده (در اینجا وقف) را در طول تاریخ، استقرار و جستجو کرده، ثبت می‌نمایند؛ سپس با پالایش مجموعه تأثیرات و نقش‌ها به عناوین و محورهایی می‌رسند. این محورها در واقع متغیرهایی هستند که ماهیت وقف را تشکیل می‌دهند و می‌سازند. از همین روش می‌توان برای تعریف وقف هم بهره گرفت.

ساختار وقف

پیش از این به دو شیوه حقوقی و تاریخی تمسک جستیم تا ماهیت وقف را کشف کنیم، اما در هر دو شیوه معلوم شد آثار و خواصی مشاهده می‌شود، یا فقها بر آثاری تأکید کرده‌اند و آن را منوط به شرائط وقف دانسته‌اند که از مبدئی به نام ماهیت برمی‌خیزد. اکنون می‌خواهیم این مبدأ را بیشتر کشف کنیم.

وقف نهادی با شخصیت خاص حقوقی است که به مرور در تاریخ شکل گرفته و دارای ماهیت با عملکرد خاص شده است. تحولاتی که در طول تاریخ در محدوده وقف رخ داده جزء ذات آن است و موجب شکل‌گیری شخصیت آن شده است.

نهادهای حقوقی نیز مانند موجودهای

زنده یک‌باره به طور کامل خلق نمی‌شوند، بلکه نیازهای اجتماعی، فکر نخبگان را مشغول می‌دارد که به منظور پاسخ‌گویی به این نیازها، سنت‌ها را شکسته و نهاد تازه را برآورند. نخستین گام‌ها با تمهیدهای زیرکانه برداشته می‌شود تا نهادها در استخدام نیازها قرار گیرد؛ سرانجام وقتی نهادی تازه متولد شد، خود نیز در معرض تحول‌ها و تغییرها قرار می‌گیرد.

وقف نیز از این قانون مستثنی نبوده است. نهاد وقف بر اساس نیازهایی شکل گرفت و توانست مالکیت‌های خصوصی و فردی را به مالکیت‌های جمعی و عمومی تبدیل کند. بعدها نظر حقوق‌دانان بر این جلب شد که به مجموعه‌ای از اموال، شخصیت حقوقی داده شود و بنیاد موقوفات به عنوان یک شخصیت حقوقی شکل گرفت؛ زیرا درصدد بودند که ناپایداری عمر انسان به هدف‌های وقفی زیان نرساند.

صاحب‌نظران حقوق از «شخصیت حقوقی» تعریف‌های گوناگونی کرده‌اند؛ از جمله: شخصیت حقوقی عبارت است از دسته‌ای از افراد که دارای منافع و فعالیت مشترک هستند، یا پاره‌ای از اموال که به هدف خاصی اختصاص داده شده است و قانون آنها را طرف حق می‌شناسد

و برای آنها شخصیت مستقلی قایل است؛ مانند: دولت، شهر، دانشگاه، شرکت‌های تجاری، و موقوفات^{۱۳}.

در قوانین مدنی و حقوق، شخصیت حقوقی وقف از مسلمات شمرده شده و در موارد بسیاری از آن بحث شده است. در اینجا نظریاتی از حقوق‌دانان مشهور آورده می‌شود؛ دکتر محمدجواد صفا در این باره می‌نویسد:

به موجب ماده ۳ «قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه» مصوب ۶ دی‌ماه ۱۳۶۳ که به تأیید شورای نگهبان رسیده است، هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان، حسب مورد، نماینده آن می‌باشد. امتیاز قانون مزبور این است که این قانون برخلاف قانون اوقاف مصوب تیرماه ۱۳۵۴ که تنها موقوفه عام را واجد شخصیت حقوقی می‌دانست، هر نوع موقوفه را اعم از عام یا خاص واجد شخصیت حقوقی می‌داند؛ از این‌رو به اشکال و ایرادی که از جانب بعضی از نویسندگان حقوق مدنی مطرح بوده است که چرا وقف خاص نباید شخصیت حقوقی داشته باشد پاسخ گفته است. با این بیان می‌توان گفت که وقف عام به عنوان شخصیتی در حقوق عمومی

محسوب می‌گردد و وقف خاص به عنوان شخصیتی در حقوق خصوصی تلقی می‌گردد.^{۱۴}

مصطفی احمد زرقاء پس از تعریف و بیان اقسام شخصیت حقوقی از نگاه حقوق وضعی، در مقام شمارش برخی از اشخاص حقوقی خاص و فرق آنها با یکدیگر می‌نویسد: «و الأوقاف فی التشریح الإسلامی تعتبر من قبیل هذه المؤسسات ذات الشخصية الحکمیة»؛ اوقاف در قانون‌گذاری شرع مقدس اسلامی، جزء مؤسسات خیریه‌ای است که دارای شخصیت حقوقی هستند.^{۱۵}

دکتر ناصر کاتوزیان در این باره می‌نویسد:

بررسی خط فکری محققان نشان می‌دهد که کم و بیش متوجه ضرورت شناسایی وجودی مستقل از واقف و موقوف علیه برای وقف بوده‌اند... در واقع می‌توان گفت: وجود یک سازمان حقوقی شخص‌گونه در فکر حقوقدانان ما وجود داشته و تنها نمی‌دانستند که آن را با چه نامی مشخص کنند؛ زیرا از نظر اداری و آثار آنچه ساخته و پرداخته بودند چیزی از یک شخصیت حقوقی کم نداشت.^{۱۶}

اهم نظریات حقوقدانان و پژوهشگران

حقوق نقل شد. دیگران هم با کمی اختلاف همین نظرات را دارند.^{۱۷}

شخصیت حقوقی وقف که در کنار نهاد وقف در طول تاریخ شکل گرفت، دارای ویژگی‌هایی است که برخی از صاحب‌نظران برای آن ده ویژگی برشمرده‌اند.^{۱۸}

اهمیت شخصیت حقوقی وقف

عنوان شخص حقوقی گر چه کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، اما بی‌گمان از موضوعات پراهمیت و کلیدی به شمار می‌آید و افزون بر ثمره علمی، نقش عملی و کاربردی نیز دارد؛ و تا وضعیت آن در جامعه فقهی ما روشن نشود نمی‌توان به کارآمدی وقف فکر کرد. موضوع‌هایی چون زکات، خمس، وصیت، بیع، هبه و شرکت از این نظر با وقف اشتراک دارند. یعنی هر کدام از این عناوین شخصیت حقوقی دارند. این شخصیت غیر از اشخاصند که مثلاً در موضوع زکات، زکات می‌دهند یا زکات می‌گیرند یا متولی زکات‌اند.

با عنوان شخصیت حقوقی می‌توان بسیاری از معضلات و مشکلات علمی را همچون مالکیت خمس، زکات و وقف حل کرد. در این عصر که دوره تکنیک،

نتیجه‌گیری

تلاش کردم از مباحث فقها در زمینه سرائط وقف و از گزارش‌های مورخان درباره وقف استفاده کنم و ماهیت ساختارمندی برای وقف معرفی نمایم. این ماهیت یک تشکل و مجموعه به هم پیوسته و مرتبط و دارای عناصر حقوقی و تاریخی ویژه است و مبدأ تأثیرات و آثاری شده است. هدف شارع اسلام فعال‌سازی این کل و این شخصیت بوده است و می‌خواسته از طرق مکانیسم‌هایی این شخصیت به‌سان یک نهاد خیریه عمل کند، به‌طوری که نیازهای ضروری مسلمانان را تکافو و تأمین کند.

توسعه و ارتباطات است، شخصیت حقوقی وقف و نیز دیگر شخصیت‌های حقوقی بسیار کارساز و حلال مشکلات است. متأسفانه نبودن تصویر صحیح از شخص حقوقی موجب می‌شود بحث شرکت در فقه، نتواند پاسخ‌گوی اندکی از این پرسش‌های مستحدث و نوپدید باشد. بی‌شک پاسخ صحیح بسیاری از پرسش‌های علمی - فقهی به‌ویژه شرکت، وقف، بانک‌ها، زکات، خمس و بیع در کتاب‌های مختلف فقهی در گرو بحث از این عنوان و پژوهش‌های جامع درباره آنها است.

این بحث نوپیداست و متأسفانه فقها کمتر به آن پرداخته‌اند. در فقهای اهل سنت، مصطفی احمد زرقاء به اختصار آن را بررسی کرده است.

شایسته است وقف و برخی از عناوین که در فقه، شخصیت حقوقی آنها مطرح است، توسط فقها و دانشمندان حقوق مشترکاً مورد بحث واقع شود تا ابعاد و زوایای آنها به درستی بررسی گردد^{۱۹}.

منابع و مآخذ

- پسندیده، محمود، «مدارس علوم دینی مشهد در دوره صفویه و تیموری»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۳۹-۴۶.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، [۱۳۴۵].
- رحمانی، محمد، «شخصیت حقوقی وقف»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۰، ص ۵۰-۶۶.
- رحمانی، محمد، «قاعده الوقوف بحسب ما یوقفها أهلها»، وقف میراث جاویدان، سال ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۷۶، ص ۵۸-۶۷.
- الزرقاء، مصطفی احمد، المدخل الفقهي العام، دار القلم للطباعة والنشر، ۲۰۰۴م.
- صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، تهران، نشر دانا، ۱۳۷۳.
- قلی زاده، احمد، «توسعه وقف و ماهیت حقوقی آن»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۳۲-۳۵.
- مظفر، محمدرضا، المنطق، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۵.
- معرفت، محمدهادی، «حقیقت وقف»، وقف میراث جاویدان، ش ۱۸، ص ۳۲-۳۷.
- ملکوتی فر، ولی الله، «بررسی تطبیقی تعریف وقف، وقف نقود و شرایط موقوفه»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۱۳۹-۱۴۸.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۸، بیروت، ۱۹۹۴م.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، تهران، ۱۳۶۵، ج ۳.
- کسائی، سید علی، «وقف پول»، وقف میراث جاویدان، ش ۵۱، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۷-۳۰.



شماره ۷۰ - تابستان ۸۹
شناسایی ماهیت وقف

جاویدان
وقف میراث

پی نوشت

۱. مظفر، محمد رضا، المنطق، بخش تعریفات
۲. فقیهان به تبع روایات معصومین که مانند این‌گونه موارد را با ادات نفی (لا صلوة إلا فی المسجد) بیان کرده، عنوان «نماز» را بر نماز فاقد شرائط جاری ندانسته‌اند، گفته‌اند: تلبس به عنوان باید مشروط به شرائط باشد.
۳. معرفت، محمدهادی، «حقیقت وقف»، ص ۳۷-۳۸.
۴. جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۱۵.
۵. این شرائط در مقاله «بررسی تطبیقی تعریف وقف، وقف نقود و شرایط موقوفه» از ولی‌الله ملکوتی فر، به تفصیل بررسی شده‌است.
۶. «بررسی تطبیقی...»، ص ۱۴۳.
۷. همان، ص ۱۳۹-۱۴۸؛ کسائی، سید علی، «وقف پول»، ص ۲۰.
۸. همان، ص ۱۴۶.
9. Encyclopedia of Islamic Modern World, vol.4, p.312.
۱۰. همه دیدگاه‌های فقهای شیعه درباره استمرار را آقای رحمانی آورده و بررسی کرده است (نگاه کنید به: «قاعده الوقوف بحسب ما یوقفها أهلها»، وقف میراث جاویدان، سال ۵، ش ۲، تابستان ۱۳۷۶، ص ۶۲).
۱۱. قلی‌زاده، احد، «توسعه وقف»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۳۵.
۱۲. پسنیدیه، محمود، «مدارس علوم دینی»،
- وقف میراث جاویدان، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۳۹.
۱۳. رحمانی، محمد، «شخصیت حقوقی وقف»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۰، ص ۵۱.
۱۴. صفاء، محمدجواد، شخصیت حقوقی، ص ۲۰۸؛ به نقل از پیشین، ص ۶۵.
۱۵. المدخل الفقہی العام، ج ۳، ص ۲۷۶؛ به نقل از همان.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، ج ۳، ص ۱۳۲؛ به نقل از همان.
۱۷. «شخصیت حقوقی وقف»، ص ۶۴-۶۵.
۱۸. همان، ص ۶۶.
۱۹. پیشین، ص ۵۰-۵۱.